

بررسی تغییرات رضایت زناشویی و ابعاد آن در طول چرخه زندگی خانواده: تحلیل روند

Trend Analysis of Changes in Marital Satisfaction and Related Dimensions Across Family Life Cycle

M. Abbasi, M. A.

مریم عباسی

کارشناس ارشد خانواده‌درمانی دانشگاه شهید بهشتی

M. Dehghani, Ph.D. ✉

دکتر محسن دهقانی ✉

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

M. A. Mazaheri, Ph.D.

دکتر محمدعلی مظاهری

دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

F. Ansarinejad, M. A.; Z. Fadaii, M. A.; F. Nikparvar, M. A. فاطمه انصاری‌نژاد، زهرا فدایی، فاطمه نیک‌پرور

کارشناس ارشد خانواده‌درمانی دانشگاه شهید بهشتی

H. Yazdkhasti, M. A.; N. Mansori, M. A.; Z. Abareshti, M. A. حامد یزدخواستی، نادر منصوری، زهره ابارشی

کارشناس ارشد خانواده‌درمانی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۸۷/۱۰/۲

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۵/۶

پذیرش مقاله: ۸۸/۱۱/۲۹

Abstract

While U-shaped relationship between marital satisfaction and family life cycle has been strongly supported, our review of the related literature reveals some significant errors in the definition of marital satisfaction and the statistical data analysis in this regard.

چکیده:

اگرچه رابطه بین رضایت زناشویی و چرخه زندگی خانواده مورد حمایت پژوهشی گسترده قرار گرفته است، بررسی پیشینه این موضوع اشکالات مهمی را در نوع تحلیل آماری و تعریف مفهوم رضایت زناشویی آشکار می‌سازد. مطالعه حاضر به بررسی نقایص اصلی این پژوهش‌ها پرداخته و نگاهی انتقادی بر ادبیات پژوهش در این زمینه دارد.

✉Corresponding author: Dept. of Psychology
Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Tel: +9821-29902387

Fax: +9821-29902368

Email: abbasi.marya@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده
خانواده

تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۸۷ دورنما: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۸

پست الکترونیکی: abbasi.marya@yahoo.com

The present study addresses the main shortcomings and critically reviews the relevant literature. The primary goal is to examine the trend of changes in marital satisfaction and related dimensions across family life cycle (seven stages).

209 married individuals were consecutively sampled through approaching them in public gathering places. 30 married individuals (except for empty nest, $n=29$) were allocated to each life cycle stage. Demographics form and ENRICH scale for marital satisfaction were then completed by the participants. The trend analysis of each dimension demonstrates a curvilinear relationship between some dimensions (Marital Satisfaction, Sexual Relationship, Family and Friends, Religious Orientation) and the life cycle. Findings are discussed considering clinical and research implications.

KeyWords: life cycle, marital satisfaction, trend analysis

هدف اصلی این مطالعه بررسی روند تغییرات رضایت زناشویی و ابعاد آن در هفت مرحله چرخه زندگی خانواده است. به این منظور ۲۰۹ نفر از افراد متأهل ساکن شهر تهران به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند که به هر دوره از چرخه زندگی ۳۰ نفر اختصاص یافت (به جز مرحله آشیان خالی که شامل ۲۹ نفر بود). فرم مشخصات جمعیت‌شناختی و پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ توسط این افراد تکمیل شد. تحلیل روند تغییرات نشان داد که رابطه بین زیرمقیاس‌های رضایت زناشویی، روابط جنسی، خانواده و دوستان، جهت‌گیری مذهبی با متغیر چرخه زندگی خانواده از گرایش منحنی تبعیت می‌کند. کاربردهای بالینی و پژوهشی نتایج مورد بحث قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: چرخه زندگی، رضایت زناشویی، تحلیل روند

رابطه تعارض کار- خانواده با رفتارهای مدنی - سازمانی با
توجه به نقش تعدیلی عدالت رویه‌ای

**Relationship between Work-Family Conflict and Organizational
Citizenship Behavior within the Mediator Role Framework of
Procedural Justice**

H. R. Oreizi Samani, Ph.D.

دکتر حمیدرضا عریضی سامانی ✉

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

M. S. Zakerfard, M. A.

منیرالسادات ذاکر فرد

کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

دریافت مقاله: ۸۸/۱۲/۱۷

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۱۲/۱۴

پذیرش مقاله: ۸۸/۱۲/۲۵

Abstract

The aim of the current research is to investigate the relation between work-family conflict and organizational citizenship behavior (OCB) while the procedural justice is considered as the mediator variable. The sample consists of 267 personnel of one industrial company. Instruments were Kopelman, Greenhaus & Connolly's (1983) work-family conflict scale, Leventhal, Karuza & Fry's (1980) procedural justice scale and Williams & Anderson's (1991) organizational citizenship behavior scale respectively.

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین تعارض کار- خانواده و رفتارهای مدنی- سازمانی است که متغیر عدالت رویه‌ای به عنوان متغیر تعدیل‌کننده در نظر گرفته شده است. نمونه این پژوهش را ۲۶۷ نفر از کارکنان یک شرکت صنعتی تشکیل داده‌اند و برای سنجش میزان تعارض کار- خانواده، عدالت رویه‌ای در سازمان و رفتارهای مدنی- سازمانی به ترتیب از مقیاس‌های تعارض کار- خانواده کوپلمن، گرینهوس و کونولی (۱۹۸۳)، مقیاس عدالت رویه‌ای لونتال، کاروزا و فرای (۱۹۸۰) و مقیاس رفتار مدنی- سازمانی ویلیامز و اندرسون (۱۹۹۱) استفاده شده است.

✉Corresponding author: Department of Psychology, Faculty Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan Iran.
Tel: +98311-7932556
Fax: +98311-6683107
Email: dr.oreyzi@edu.ui.ac.ir

✉نویسنده مسئول: اصفهان، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی
تلفن: ۰۳۱۱-۷۹۳۲۵۵۶ دورنما: ۰۳۱۱-۶۶۸۳۱۰۷
پست الکترونیکی: dr.oreyzi@edu.ui.ac.ir

Interactive relations among variables were measured via hierarchical regression analysis (HRA). Sex, marriage status and number of children variables were entered in HRA as control variables, and then main effects of work-family conflict and procedural justice and their interactive effects were investigated. Regression analysis was administered to two OCB subscales, namely individualistic and organizational, separately. Findings indicate that although work-family conflict does not have any effect on OCB after control of sex, marriage status and number of children, the relation is significant considering the moderator role of procedural justice. Based on empirical data of the current study if the organization improves the sense of procedural justice, even the personnel with conflicts in their family environment do not project them onto the organization and maintain their OCB behaviors. On the contrary, however, without procedural justice, the organization will be disadvantaged due to family-work conflict spillover and OCB behavior reduction.

Keywords: Work-Family Conflict, Organizational Citizenship Behavior, Procedural Justice.

از رگرسیون سلسله مراتبی برای بررسی رابطه تعاملی بین متغیرها استفاده شد. متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل و تعداد کودکان به عنوان متغیرهای کنترل در رگرسیون سلسله مراتبی وارد شده و پس از آن اثر اصلی تعارض کار- خانواده و عدالت رویه‌ای به عنوان اثر اصلی و در پایان رابطه تعاملی تعارض و عدالت رویه‌ای بررسی شد. تحلیل رگرسیون برای دو زیرمقیاس رفتارهای مدنی - سازمانی یعنی معطوف به فرد و معطوف به سازمان جداگانه انجام شده است. نتایج نشان دادند هر چند تعارض کار- خانواده بر رفتارهای مدنی - سازمانی (فردی و سازمانی) پس از کنترل متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل و تعداد کودکان تأثیر ندارد اما با توجه به نقش تعدیل‌کننده عدالت رویه‌ای، رابطه معنادار است. بر مبنای نتایج در صورتی که سازمان در جهت ارتقاء عدالت رویه‌ای عمل کند، حتی در صورتی که کارکنان دارای تعارض در محیط خانواده باشند، آن را به سازمان فراقکنی نخواهند کرد و رفتارهای مدنی- سازمانی آنها حفظ خواهد شد. برعکس اگر عدالت رویه‌ای وجود نداشته باشد سازمان به دلیل سرریز تعارض‌های خانواده - کار و کاهش رفتارهای مدنی- سازمانی، متضرر خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: تعارض کار- خانواده، رفتارهای مدنی- سازمانی، عدالت رویه‌ای.

تأثیر زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر بهبود الگوهای ارتباطی جانبازان
مبتلا به PTSD ناشی از جنگ و همسران‌شان

The Impact of Emotionally Focused Couple Therapy on Improving
Communication Patterns in Combat- Related PTSD
Veterans & their Wives

M. Rezaee, M.D. ✉

J. Yonesi, Ph.D.

Kh. Ahmadi, Ph.D.

A. Asgari, Ph.D.

J. Mirzaee, M.D.

مهديه رضائي ✉

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

دکتر سیدجلال یونسی

استادیار روان‌شناسی بالینی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

دکتر خدابخش احمدی

دانشیار دانشگاه علوم پزشکی بقیه... (مرکز تحقیقات علوم رفتاری)

دکتر علی عسگری

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

جعفر میرزایی

کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی (کارشناس مسئول بیمارستان روان‌پزشکی صدر)

دریافت مقاله: ۸۷/۷/۲۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۱۲/۱۹

پذیرش مقاله: ۸۹/۱/۲۷

Abstract

The purpose of this study is to investigate the effect of emotionally focused couple therapy (EFCT) on the improvement of communication patterns in combat-related PTSD veterans and their wives.

چکیده:

این مطالعه با هدف شناخت تأثیر زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر بهبود الگوهای ارتباطی جانبازان مبتلا به PTSD ناشی از جنگ و همسران‌شان انجام شد. روش تحقیق تجربی بوده، به این منظور ۲۸ جانباز مبتلا به PTSD و همسران‌شان به طور

✉Corresponding author: Dept. of Counseling, Social welfare & Rehabilitation University, Kodakkyar St., Evin, Tehran, Iran.
Tel: +9821-66879892
Fax: +9821-22277042
Email: mb_rezaee@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: تهران، اوین، خیابان کودکیار، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، گروه مشاوره
تلفن: ۰۲۱-۶۶۸۷۹۸۹۲
نمابر: ۰۲۱-۲۲۲۷۷۰۴۲
پست الکترونیک: mb_rezaee@yahoo.com

28 veterans with PTSD psychiatric diagnosis and their wives were randomly selected and assigned to the two experiential and control groups. One group received 10 sessions of emotionally focused couple therapy and the other group remained on the waiting list. Data gathering was carried out through psychiatric diagnosis, PTSD interview and Christiansen & Sallavy's (1984) communication pattern questionnaire. Analysis of covariate findings reveals significant differences between the control and experimental groups, indicating the effectiveness of EFCT in the experimental group. The findings of the research indicate that the emotionally focused couple therapy results in an increase in PTSD veterans and their wives, using constructive communication pattern; and a decrease in their using mutual avoidance, demand/withdrawal. Generally, the clinical research in this regard is mostly focused on individual treatments and couple therapy is neglected, but seemingly the increase in PTSD veterans and their wives, using constructive pattern will result in an increase in their mental health.

KeyWords: Emotionally Focused Couple Therapy, PTSD, Communication Patterns.

تصادفی انتخاب و در دو گروه کنترل و آزمایش جایگزین شدند.

جمع‌آوری داده‌ها به وسیله مصاحبه PTSD و پرسشنامه الگوهای ارتباطی کریستنسن و سالووی (۱۹۸۴) انجام شد. پس از پیش‌آزمون، گروه آزمایش ۱۰ جلسه زوج‌درمانی هیجان‌مدار را دریافت کردند و گروه کنترل در لیست انتظار قرار گرفتند. تحلیل کواریانس نتایج پژوهش بیانگر تفاوت معناداری بین دو گروه آزمایش و کنترل بود. به عبارت دیگر این مدل درمانی باعث بالا رفتن میزان استفاده زوجها از الگوی ارتباطی سازنده متقابل و پایین آمدن میزان استفاده آن‌ها از الگوهای ارتباطی اجتنابی متقابل و توقع/کناره‌گیری شده است. به طور کلی بیشتر مطالعات بالینی در این زمینه بر روی درمان‌های فردی متمرکز است و درمان‌های زوجی و خانوادگی نادیده گرفته شده‌اند. اما به نظر می‌رسد بالا رفتن میزان استفاده جانبازان PTSD و همسران‌شان از الگوی ارتباطی سازنده متقابل موجب افزایش میزان سلامت روانی آن‌ها می‌شود.

کلیدواژه‌ها: زوج‌درمانی هیجان‌مدار، الگوهای ارتباطی، اختلال استرس پس از ضربه

بررسی رابطه الکسی تیمیا و رضایت جنسی در گروهی از دانشجویان
دختر متأهل دانشگاه تبریز

**The Study of Relationship between Alexithymia and Sexual
Satisfaction among Female Married Students in Tabriz University**

M. Sharyati, M. A. ✉

A. Ghamarani, Ph.D.

S. K. Solati Dehkordi, Ph.D.

H. Abbasi Molid, M. A.

✉ **مریم شریعتی**

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه تبریز

دکتر امیر قمرانی

عضو هیأت علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

دکتر سید کمال صولتی دهکردی

استادیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد

حسین عباسی مولید

کارشناس ارشد مشاوره خانواده

دریافت مقاله: ۸۷/۳/۱۲
دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۷/۲۳
پذیرش مقاله: ۸۸/۱۱/۲۸

Abstract

The purpose of this study is to investigate the relationship between alexithymia and sexual satisfaction among female married students in Tabriz University. Relevant data was collected from 100 female married students who were chosen by means of simple random sampling.

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه الکسی تیمیا و رضایت جنسی در گروهی از دانشجویان دختر متأهل دانشگاه تبریز است. نمونه آماری پژوهش مشتمل بر ۱۰۰ دانشجوی دختر متأهل دانشگاه تبریز می‌باشد که براساس روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند.

✉ Corresponding author: Dept. of Psychology
University Birjand Teacher Training Center
Tel: +98561-4446346
Fax: +98561-4446346
Email: msharyati@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: بیرجند، بلوار معلم، چهار راه بهداری، مرکز
تربیت معلم شهید باهنر
تلفن: ۰۵۶۱-۴۴۴۶۳۴۶ نمابر: ۰۵۶۱-۴۴۴۶۳۴۶
پست الکترونیکی: msharyati@yahoo.com

The research tools used were: (1) Farsi Version of the Toronto Alexithymia Scale (TAS-20), with three factors of difficulty identifying feelings (DIF), difficulty describing feelings (DDF), and externally-oriented thinking; and (2) the sexual satisfaction questionnaire.

Analysis of multivariate regression shows that there are negative and significant relationships between the total score and the subscale score of the Alexithymia scale with sexual satisfaction.

Furthermore, results indicate that the best predictors of sexual satisfaction, in order of importance, are the total score and the (DIF) subscale of alexithymia scale.

KeyWords: Alexithymia, Sexual Satisfaction, University Students.

ابزارهای پژوهش شامل نسخه فارسی مقیاس ۲۰ سؤالی الکسی تیمیا تورنتو (بشارت، ۲۰۰۸) و پرسشنامه رضایت جنسی (شاه سیاه، ۱۳۸۷) است که از روایی و پایایی مطلوبی در ایران برخوردار می‌باشند.

مقیاس ۲۰ سؤالی الکسی تیمیا از سه خرده آزمون شامل دشواری در شناسایی احساسات (DIF)، دشواری در توصیف احساسات (DDF)، و تفکر بیرون‌مدار (EOT) تشکیل شده است. نتایج حاصل از رگرسیون چند متغیره، بیانگر رابطه منفی و معنادار بین نمره کل و هر یک از خرده آزمون‌های مقیاس الکسی تیمیا با رضایت جنسی بود. علاوه بر این مشخص شد که نمره کل مقیاس الکسی تیمیا و خرده‌آزمون دشواری در شناسایی احساسات (DIF) به ترتیب از بیشترین قدرت پیش‌بینی درباره رضایت جنسی برخوردار هستند.

کلیدواژه‌ها: الکسی تیمیا، رضایت جنسی، دانشجویان

رابطه پیوند اجتماعی ایجاد شده توسط خانواده با خشونت میان فردی
نوجوانان پسر در شهر یزد

**The Relationship between Social Link Established by Family and
Interpersonal Violence of Male Juveniles in Yazd**

M. ParsaMeh, Ph.D. ✉

S. M. Saeidi Madani, Ph.D.

F. DivBand, M. A.

دکتر مهربان پارسامهر ✉

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

دکتر سیدمحسن سعیدی مدنی

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

فائزه دیوبند

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

دریافت مقاله: ۸۸/۴/۲۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۹/۲۸

پذیرش مقاله: ۸۸/۱۱/۱۰

Abstract

The aim of this study is to investigate the relation between social link established by family and interpersonal violence of male juveniles in the Iranian city of Yazd. The research applies a correlational study to 385 male juveniles who were chosen by means of random cluster sampling. Data on violence and family were collected using the standardized CTS

چکیده:

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر پیوند اجتماعی ایجاد شده توسط خانواده بر خشونت میان فردی نوجوانان پسر در شهر یزد می‌پردازد. روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. ۳۸۵ نوجوان پسر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و به صورت تصادفی انتخاب شدند. اطلاعات مربوط به خشونت با استفاده از پرسشنامه استاندارد CTS، و اطلاعات مربوط به خانواده با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته به دست آمدند.

✉Corresponding author: Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.
Tel:+98351-8123371
Fax:+98351-8210643
Email: parsamehr@yazduni.ac.ir

✉نویسنده مسئول: یزد، صفائیه، دانشگاه یزد، دانشکده علوم اجتماعی
تلفن: ۰۳۵۱-۸۱۲۳۳۷۱ دورنما: ۰۳۵۱-۸۲۱۰۶۴۳
پست الکترونیکی: parsamehr@yazduni.ac.ir

and a researcher-made questionnaires respectively.

The results of study show that there is negative meaningful correlation between family factor and interpersonal violence. Also regression results indicate that parent control and attachment to family is the salient predictor for verbal violence; whereas parent control, family attachment age and educational status are the best predictor for mild and severe physical violence; while parent control, parental consent, age and educational status are the major predictor for interpersonal violence.

KeyWords: Social Link, Family, Interpersonal Violence, Social Control, Male Juveniles.

نتایج نشان دادند بین چهار عامل مؤثر در جامعه-پذیری که در خانواده وجود دارند و رفتارهای خشونت‌آمیز نوجوانان آن خانواده، همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. نتایج رگرسیون سلسله‌مراتبی نشان دادند که متغیرهای کنترل والدین و دلبستگی به خانواده برای خشونت کلامی؛ متغیرهای کنترل والدین، دلبستگی به خانواده، سن و پایه تحصیلی برای خشونت جسمانی ملایم و شدید؛ متغیرهای کنترل والدین، دلبستگی به خانواده، توافق والدین، سن و پایه تحصیلی برای خشونت میان‌فردی در مجموع پیش‌بینی‌کننده‌های برجسته‌تری بودند.

کلیدواژه‌ها: پیوند اجتماعی، خانواده، خشونت میان‌فردی، نظارت اجتماعی، نوجوانان پسر

بررسی راهبردهای مقابله‌ای و میزان تنیدگی در مادران کودکان مبتلا به اتیسم و مقایسه آن با مادران کودکان عادی

Coping Strategies and Stress in Mothers with Autistic Children in Comparison with Mothers with Normal Children

K. Khushabi, Ph.D. ✉

دکتر کتابون خوشابی ✉

دانشیار گروه روان‌پزشکی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

S. Z. Farzad Fard, M. A.

سیده زینب فرزادفرد

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشگاه شهید بهشتی

B. Kakasoltani, Ph.D.

دکتر بابک کاکاسلطانی

روان‌پزشک، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

H. R. Pouretamad, Ph.D.

دکتر حمیدرضا پوراعتماد

دکترای روان‌شناسی عصب شناختی، دانشگاه شهید بهشتی

H. R. Nikkhab, M. A.

حمیدرضا نیکخواه

کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، کارشناس معاونت مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان

دریافت مقاله: ۸۷/۱/۱۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۱۰/۲۹

پذیرش مقاله: ۸۹/۱/۲۲

Abstract

This research aims to investigate stress and coping strategies of mothers with autistic children in comparison with mothers with normal children. The population of the research is all mothers with children in Tehran.

چکیده:

این پژوهش به منظور بررسی راهبردهای مقابله‌ای و میزان تنیدگی در مادران کودکان مبتلا به اتیسم و مقایسه آن با مادران دارای کودکان عادی صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی مادران دارای فرزند شهر تهران می‌باشد.

✉Corresponding author: Psychiatry Department of Rehabilitation & Well-Being University.

Tel: +9821-22180085

Email: kkhushabi@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: گروه روان‌پزشکی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

تلفن: ۰۲۱-۲۲۱۸۰۰۸۵

پست الکترونیک: kkhushabi@yahoo.com

Participants of the study consist of 72 mothers (36 mothers with autistic children and 36 mothers without autistic children) selected by means of non-convenience sampling. Research instruments applied in order to assess the psychological status of the subjects were: Gilliam autism rating scale; Child behavior checklist; Questionnaire on resources and stress; Coping skills checklist and demographical scale.

Findings of the study reveal that there is a significant difference between two the groups of mothers in parenting stress and coping strategies (emotion-focused and problem-focused) variables; however, there was no significant difference between non-effective coping strategies of the two groups. Also there is a significant relationship between parenting stress and emotion-focused coping strategies. But there is no significant relationship between parenting stress and problem-focused coping strategies. Taken together, the severity of autistic symptoms of the children show a significant correlation with levels of stress and emotion-focused coping strategies in mothers with autistic children. In fact, it can explain 66 % of mothers' stress.

KeyWords: Stress, Coping Strategies, Severity of Autistic Symptoms.

نمونه آماری شامل ۷۲ مادر (۳۶ مادر دارای کودک مبتلا به اتیسم و ۳۶ مادر دارای کودک سالم) بوده که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری شامل مقیاس رتبه‌بندی اتیسم گیلیام، فهرست مشکلات رفتاری کودک/ نوجوان، پرسشنامه منابع تنیدگی، فهرست مهارت‌های مقابله‌ای استفاده می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهند که بین مادران کودکان مبتلا به اتیسم و مادران کودکان سالم از لحاظ متغیرهای تنیدگی، راهبردهای مقابله‌ای مسئله‌مدار و هیجان‌مدار تفاوت معناداری وجود دارد، اما از لحاظ راهبرد مقابله‌ای غیرمفید و غیرمؤثر تفاوت معناداری مشاهده نگردید. هم‌چنین میان تنیدگی مادران کودکان مبتلا به اتیسم با راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار و غیرمفید و شدت علائم کودک مبتلا به اتیسم رابطه معناداری وجود دارد، اما بین تنیدگی مادران و راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار، رابطه معناداری به دست نیامد. در مجموع اکثر مادرانی که کودک مبتلا به اتیسم داشتند راهبردهای مقابله‌ای هیجان‌مدار داشته و شدت علائم اتیسم با افزایش میزان تنیدگی مادران همراه بوده، به نحوی که شدت علائم اتیسم کودک، ۶۶ درصد تنیدگی مادران را تبیین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تنیدگی، راهبردهای مقابله‌ای، شدت علائم اتیسم

اثربخشی آموزش مهارت‌های مقابله با تنیدگی بر تنیدگی فرزندپروری
مادران دارای فرزندان با اختلال کاستی توجه و بیش‌فعالی

The Efficacy of Stress Coping Skills Training on Parenting Stress
of Mothers with Children Suffering from Attention Deficit
Hyperactivity Disorder

A. Beh-Pajoo, Ph.D. ✉

A. Motevali Poor, M.A.

V. Farzad, Ph.D.

R. Rostami, Ph.D.

M. Habibi Askarabad, M. A.

دکتر احمد به‌پژوه ✉

دانشیار گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران

عباس متولی‌پور

کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران

دکتر ولی‌الله فرزاد

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه تربیت معلم

دکتر رضا رستمی

دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه تهران

مجتبی حبیبی عسگرآباد

دانشجوی دکتری روان‌شناسی سلامت، دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۸۷/۹/۲۱

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۱۱/۲۰

پذیرش مقاله: ۸۹/۲/۲۸

Abstract

The purpose of the present study is to examine the efficacy of stress coping skills training on parenting stress of mothers of children with attention deficit hyperactivity disorder (ADHD).

چکیده:

پژوهش حاضر به منظور بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های مقابله با تنیدگی بر میزان تنیدگی فرزندپروری مادران دارای فرزندان با اختلال کاستی توجه و بیش‌فعالی انجام گرفت.

✉Corresponding author: Faculty of Psychology & Education, University of Tehran, Tehran, Iran.

Tel: +9821-88259409

Fax: +9821-88259409

Email: behpajoo@ut.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، اول کوی نصر،

دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران

تلفن: ۰۲۱-۸۸۲۵۹۴۰۹ دورنما: ۰۲۱-۸۸۲۵۹۴۰۹

پست الکترونیک: behpajoo@ut.ac.ir

Twenty four mothers whose children were diagnosed with ADHD were matched and randomly assigned to experimental and control groups. Quantitative electroencephalography and Parenting Stress Index as well as a checklist of ADHD were used in order to measure the stress level of mothers and ADHD. Then, the experimental group participated in an intervention program for 11 sessions (60 minutes each). The hypothesis was tested by using the analysis of covariance (ANCOVA). The results indicate that stress coping skills training on parenting stress of mothers of children with ADHD was significantly effective and mothers of the experimental group showed significant reduction ($p < 0/01$) in parenting stress. This reduction was found on the following subscales: demandingness, restrictions of role, depression and social isolation. These findings, therefore, confirm the effectiveness of the intervention program in reducing the stress level of mothers with children suffering from ADHD.

KeyWords: Attention Deficit Hyperactivity Disorder (ADHD), Parenting Stress, Stress Coping, Mothers.

نمونه مورد مطالعه در این پژوهش تعداد ۲۴ نفر از مادرانی بودند که فرزندان آنها دارای اختلال کاستی توجه و بیش‌فعالی تشخیص داده شده بودند که به طور مساوی در دو گروه آزمایشی و کنترل هم‌تاسازی شدند.

ابزارهای پژوهش شامل الکتروانسفالوگرافی کمی، شاخص تنیدگی فرزندپروری و فهرست بررسی تشخیص اختلال کاستی توجه و بیش‌فعالی بود. برنامه آموزش مهارت‌های مقابله با تنیدگی در یازده جلسه شصت دقیقه‌ای (هفته‌ای سه جلسه) در گروه آزمایشی اجرا شد. فرضیه این پژوهش با استفاده از تحلیل کوواریانس مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان دادند که آموزش مهارت‌های مقابله با تنیدگی بر تنیدگی فرزندپروری مادران گروه آزمایشی به طور معناداری مؤثر بوده و کاهش میزان تنیدگی فرزندپروری را به دنبال داشته است. این کاهش شامل خرده‌مقیاس‌های فزون‌طلبی، محدودیت نقش، آفسردگی و انزوای اجتماعی می‌شد. این یافته‌ها بدین معناست که برنامه مداخله‌ای توانسته است تنیدگی فرزندپروری مادران دارای کودکان با اختلال کاستی توجه و بیش‌فعالی را کاهش دهد.

کلیدواژه‌ها: اختلال کاستی توجه و بیش‌فعالی، تنیدگی فرزندپروری، مهارت‌های مقابله با تنیدگی مادران

حقوق کودک در برابر رسانه‌ها

Children's Rights and the Media

M. Esmaeili, Ph.D. ✉

دکتر محسن اسماعیلی ✉

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق (ع)

دریافت مقاله: ۸۷/۴/۵

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۱۰/۲۷

پذیرش مقاله: ۸۹/۱/۲۹

Abstract

Although the effect of the media on children is known to every one around the globe today, the issue is among the most attractive social and scientific topics.

Children's high interest in the media, and TV in particular, especially the immediate and profound impact of TV programs on children, has been the cause of grave concern to parents and all interested in the fate of humanity.

Depression, tension, daydreaming, educational stagnation, cultural problems, aggression and finally physical disorders are among the main matters of concern raised with respect to the media.

چکیده:

اهمیت و تأثیر رسانه‌ها در دنیای امروز موضوعی ناشناخته نیست. با این حال بررسی وضع کودک و حقوق او در برابر این فناوری شگفت و پر قدرت هنوز هم از جذاب‌ترین مباحث علمی و اجتماعی است. علاقه مفرط کودکان به رسانه‌ها، خصوصاً تلویزیون، با توجه به تأثیرپذیری سریع و عمیق‌تر آنان و نیز اهتمام متقابل مالکان و مدیران بنگاه‌های عظیم رسانه‌ای برای سرمایه‌گذاری در تولیدات مربوط به سنین کودکی و نوجوانی، موجب بروز نگرانی‌هایی برای والدین و دیگر علاقمندان به سرنوشت بشر شده است.

انزوایگزینی و خیال‌پردازی، افت تحصیلی، آسیب فرهنگی و شخصیتی، پرخاشگری و تنش‌زایی، کاهش

✉Corresponding author: Faculty Of Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.
Tel: +9821-88094001-5
Fax: +9821-22253052
Email: m.esmaeili@isu.ac.ir

✉نویسنده مسئول: تهران، پل مدیریت، بزرگراه چمران، دانشگاه امام صادق(ع)، دانشکده حقوق
تلفن: ۰۲۱-۸۸۰۹۴۰۰۱-۵ دورنما: ۰۲۱-۲۲۵۳۰۵۲
پست الکترونیک: m.esmaeili@isu.ac.ir

In order to eliminate such concerns, we definitely need to draw up a protective and comprehensive plan. Some practical guidelines, professional rules, morals, laws, and regulations should be introduced along with the plan .

Some important steps have so far been taken in the field of international law. A number of articles of the Universal Declaration of Human Rights, the International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR) address the issue. The Declaration of the Rights of the Child and finally the United Nations Convention on the Rights of the Child (CRC or UNCRC), have paid great attention to this issue. There are also other international, national, as well as local declarations and resolutions adopted to protect children's rights in this regard.

But acute shortage of laws aimed at protecting children against the media is still noticeable. The present paper aims to address the shortcomings and is an attempt to offer solutions to compensate for them.

KeyWords: Children's Rights, Media Law, Universal Declaration of Human Rights, the Declaration of the Rights of the Child.

کاهش میزان مطالعه و بالاخره خمودی و زبان‌های جسمی از مهم‌ترین نگرانی‌های موجود است که در حوزه‌هایی مثل علوم اجتماعی و تربیتی، ارتباطات و حقوق، مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

برای رفع این نگرانی‌ها، «نیاز به تدوین برنامه جامع حمایتی» قطعی است و بدون تردید در این برنامه، تدوین قوانین و مقررات حقوقی در کنار تنظیم راهنمای عملی و نیز نظام‌نامه‌های اخلاق حرفه‌ای از اولویت فراوانی برخوردار است. برای این منظور در حوزه حقوق بین‌الملل گام‌هایی برداشته شده است. افزون بر اختصاص موادی از «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» به این موضوع، «اعلامیه حقوق کودک» و مهم‌تر از آن «کنوانسیون حقوق کودک» نیز توجه خاصی به تبیین اصول حقوق کودک در برابر رسانه‌ها نشان داده‌اند. هم‌چنین اعلامیه‌ها، قطعنامه‌ها و مصوبات دیگری در سطح کشورها یا مناطق جغرافیایی در این باره وجود دارد. با این همه، به‌رغم مبانی و فرهنگ غنی دینی و ملی ما که دربردارنده متعالی‌ترین نگاه‌ها به کودک و پاسداشت منزلت و حقوق اوست، خلأ آشکاری در زمینه قوانین حمایت آمیز از حقوق کودک در برابر رسانه‌ها وجود دارد. ادامه این خلأ به هیچ وجه زیبنده ایران و نظام اسلامی نیست.

کلیدواژه‌ها: حقوق کودک، حقوق رسانه، اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه حقوق کودک